مروری بر شجاعت و دلاوری شهید یدالله کلهر در گفت‌وگوی «جوان» با یکی از همرزمانش

حاج یدالله روحیه پهلوانی را در رزمندگان ترویج می‌کرد

■ احمد محمدتبریزی

شهید یدالله کلهر، سرداری رشید با ویژگی‌هایی همچون صلابت، شهامت، صبر و توکل بر خدا بود که رفتاری بزرگ منشانه داشت و مردانگی و شجاعت با جانش آمیخته بود. شهید کلهر در عملیات فتح‌المبین، بیت‌المقدس و رمضان به عنوان فرمانده لشکر ۲۷ مسئول محور و در والفجر مقدماتی، جانشین تیپ نبی‌اکرم(ص) مشغول به خدمت شد. حاج یدالله کلهر در سال ۱۳۶۴ همراه با حاج علی فضلی به لشکر ۱۰ سیدالشهدا(ع) رفت و قائم‌مقام لشکر شد. شهید کلهر در اول بهمن ۱۳۶۵ و در مرحله سوم عملیات کربلای ۵ به شهادت رسید. سردار محمدعلی فلکی از همرزمان شهید کلهر در لشکر سیدالشهدا(ع) در گفت‌وگو با «جوان» دلاوری‌های این فرمانده شجاع را شرح می‌دهد و از تأثیر این سردار رشید در جبهه‌ها می‌گوید.

شهید یدالله کلهر سمت راست، در کنار حاج علی فضلی

آشنایی شما با شهید کلهر در چه مقطعی از دفاع مقدس اتفاق افتاد؟

من قبل از جنگ فقط نام شهید کلهر را شنیده بودم و ارتباط زیادی با ایشان نداشتم، چون شهید در مجموعه ما حضور نداشت. اوایل جنگ بود که من با شهید کلهر آشنا شدم و از شجاعت‌شان شنیدم. آن زمان به شهید کلهر، حاج یدالله کرج می‌گفتند و به خاطر فعالیت‌های‌شان در شهر کرج، رزمندگان ایشان را با این شهر می‌شناختند. قبل از پیوستن شهید کلهر به لشکر سیدالشهدا(ع) من ایشان را می‌شناختم، ولی این شناخت در حدی نبود که با همدیگر کار خاصی را انجام دهیم یا ارتباط نزدیکی داشته باشیم. وقتی در سال ۱۳۶۴ حاج علی فضلی به لشکر سیدالشهدا(ع) آمد، شهید کلهر را هم با خودش به عنوان قائم مقام لشکر آورد و از آن زمان به بعد ارتباط ما با ایشان شکل گرفت.

نام ایشان از همان ابتدای جنگ نامی پرطمطراق و بزرگ بود؟

بله. شهید کلهر از همان اوایل جنگ شهرت زیادی بین رزمندگان داشت و بعد کنار آن شهرت، یک ابهت و بزرگی خاصی از ایشان می‌دیدیم. هم هیبت و جثه بزرگی داشت و هم در عملیات‌های بزرگی شرکت کرده بود و شجاعت و مجاهدت‌هایش را نیروها با چشمان‌شان دیده بودند. رزمندگان از دوستی با ایشان افتخار می‌کردند و کسانی که به لشکر می‌آمدند، دوست داشتند بروند حاج یدالله را ببینند و با ایشان همکلام شوند. حاج یدالله نام پرطمطراقی در جبهه‌ها داشت و حضورش در هر جایی باعث روحیه رزمندگان می‌شد. معمولاً درباره ویژگی‌های پهلوانان یک هیکل ستبر، لب خندان و روحیه ایثار و فداکاری را شنیده‌ایم و تمام این ویژگی‌ها را در وجود شهید کلهر می‌دیدیم. حاج یدالله ویژگی‌های کامل یک پهلوان را داشت و یک سرباز فداکار برای امامش بود.

می‌توان گفت وجودشان یک وزنه بزرگ برای لشکر سیدالشهدا(ع) و جبهه‌ها بود؟

حاج یدالله کلهر قبل از اینکه وارد لشکر سیدالشهدا(ع) شود، شهرت زیادی داشت و بسیاری از فرماندهان و رزمندگان ایشان را می‌شناختند. منتها این شهرت فقط این نبود که اسمی از ایشان شنیده باشند، بلکه این شهرت از منش و دلیری شهید کلهر می‌آمد. پشت شهرت شهید کلهر ویژگی‌های زیادی بود که نیروها از او می‌دانستند. شجاعت، درایت، قدرت فرماندهی ایشان در تیپ المهدی و نبی‌اکرم و منطقه ذوالفقاریه را نیروها دیده بودند و قبل از اینکه ایشان وارد لشکر سیدالشهدا(ع) شوند، همه حاج یدالله را به خاطر ویژگی‌های اخلاقی‌اش می‌شناختند. زمانی که حاج یدالله به لشکر سیدالشهدا(ع) آمد، اطمینان خاطری را با خودش آورد که باعث بالا رفتن روحیه نیروها شد.

سردار محمدعلی فلکی

حاج علی فضلی همواره در صحبت‌های‌شان ارادت‌شان به شهید کلهر را نشان داده‌اند و ایشان را علمدار لشکر سیدالشهدا(ع) نامیده‌اند. به نظر این ارتباط میان فرمانده و قائم مقام لشکر ناگسستنی بود و روی بقیه نیروها هم تأثیر می‌گذاشت؟

حاج علی فضلی و شهید کلهر از همان روزهای اول جنگ با همدیگر آشنا شدند و کار کردند. آقای فضلی ویژگی‌های شهید کلهر از قبیل منش، اخلاق، رفتار، شجاعت، تدبیر و فرماندهی‌اش را می‌دانست و درک کرده بود. شهید کلهر انسان فرهیخته و اخلاق‌مداری بود و به هیچ عنوان کسی را پیدا نمی‌کنید که بگوید شهید کلهر به او از بالا به پایین نگاه کرده است، همه را برابر می‌دید. وقتی وارد اتاق و چادرش می‌شدید، احساس نمی‌کردید که ایشان قائم‌مقام لشکر است یا به لحاظ جایگاهی، موقعیت بالاتری دارد. آنقدر صمیمی، گرم، راحت و روان با نیروها برخورد می‌کرد و کلامش نفوذ و اثرگذار بود که همه را مجذوب خودش می‌کرد. در جبهه‌ها قوی بودن و پهلوانی مترادف با این نیست که بقیه نیروها از آن فرمانده بترسند. مثلاً شما شهید خرازی، باکری و همت را ببینید، کسانی بودند که اسم‌شان لرزه به اندام دشمن می‌انداخت، ولی نیروهای خودی در کنار این فرماندهان احساس امنیت می‌کردند. طوری نبود که رزمندگان از وجود این فرماندهان بترسند و واهمه داشته باشند. رزمندگان وقتی می‌فهمیدند در یک مجموعه شخصی به نام حاج یدالله کلهر حضور دارند احساس امنیت، خوشحالی و غرور می‌کردند. در کنار بزرگی حاج یدالله، بچه‌های لشکر در کنار ایشان احساس صمیمیت می‌کردند. شهید کلهر خیلی مهربان، عاطفی، خوش‌خنده، خوش‌برخورد و متواضع بود، معمولا ما وقتی به یک فرمانده نگاه می‌کنیم نگاهمان پایین به بالاست، ولی وقتی می‌دیدیم آن فرمانده نگاه بالا به پایین ندارد، به ما نشاط، شادابی و دلگرمی می‌داد. این روحیه در وجود شهید کلهر خیلی پررنگ بود و می‌توانستیم آن را در تمام لحظات حضورشان در جبهه ببینیم.

هماهنگ و رفاقت‌شان با حاج علی فضلی در چه سطحی قرار داشت؟

مسئولیت آقای فضلی بالاتر از شهید کلهر بود و حاج علی فضلی فقط از باب جایگاه خودش را بالاتر از شهید کلهر می‌دید و از سایر موضوعات خودش را بالاتر از کلهر نمی‌دید. به همین خاطر در سخت‌ترین شرایط که آقای فضلی تصمیمی می‌گرفت و شهید کلهر می‌گفت اینجا اینگونه عمل شود، بهتر است، حاج علی فضلی بدون مکث و تأمل و با اطمینان تصمیم حاج یدالله کلهر را اجرا می‌کرد. چنین هماهنگی بین‌شان وجود داشت. شهید کلهر هم به همین شکل عمل می‌کرد و مثل برادر پشت همدیگر بودند. شهید کلهر کاملاً به آقای فضلی اطمینان، ارادت و دوستش داشت و مثل دو برادر صمیمی، همراه و همدل بودند.

این برادری و اطمینان از نکات مهم فرهنگ دفاع مقدس است که به وفور و در موقعیت‌های مختلف دیده می‌شود.

شهید کلهر خارج از جایگاهی که داشت، وقتی ما فرمانده گردان‌ها پیش ایشان می‌رفتیم، همیشه کارشان روحیه و امید دادن بود. جنگ مترادف بود با کمبودها و توأم با نداشتن‌ها. ما که فرمانده گردان بودیم همیشه دوست داشتیم کمبودها، نواقص و نیازمندی‌های‌مان را به شکلی تأمین کنیم. شهید کلهر جایگاه بالایی داشت، ولی برای تمام رزمندگان دست یافتنی بود. ویژگی‌های اخلاقی حاج یدالله طوری بود که همه می‌توانستند با ایشان راحت صحبت کنند. وقتی می‌رفتیم و با ایشان صحبت می‌کردیم به ما دلداری، امید و روحیه می‌داد و اینها ویژگی‌های خیلی خوبی بود که رزمندگان دوست داشتند. شهید کلهر رفتار برادرگونه‌ای با تمام نیروها داشتند. این از درایت شهید کلهر بود که به همه امید و روحیه می‌داد. نمی‌گذاشت کسی ناامید از کنارش برگردد. بچه‌های کرج حاج یدالله را خیلی دوست داشتند و ایشان را روی سرشان می‌گذاشتند. حاج یدالله آدم دانا و باسوادی بود و درباره فلسفه جهاد و شهادت با رزمندگان صحبت می‌کرد.

شهادت‌شان در کربلای ۵ برای رزمندگان لشکر سیدالشهدا(ع) خیلی ناگوار و سخت بود؟

ایشان در عملیات والفجر ۸ مجروحیت شدیدی پیدا کردند. مدتی در بیمارستان حضور داشتند و نیروها به ملاقات‌شان می‌رفتند. با وجود مجروحیت سنگین‌شان، شهید کلهر خودش را برای حضور در عملیات کربلای ۵ رساند. برای این عملیات کمربند و گردنبند بسته و دستش هم در گردنش انداخته بود. اواخر عملیات کربلای ۵ کار به سختی خورده بود و به همین خاطر ایشان بلند شد و به خط رفت. حاج یدالله برای این به خط زد که حاج علی فضلی به خط نزند. نیروهای گردان علی‌اکبر در منطقه‌ای گیر کرده بودند و ایشان برای بررسی وضعیت نیروها به خط رفتند که همانجا هم به شهادت رسیدند. ما در عملیات والفجر ۸ رئیس ستاد لشکر به نام شهید احسانی و جعفر جنگروی را از دست دادیم، ولی تألم و ناراحتی که بعد از شهادت حاج یدالله کلهر داشتیم، برایمان خیلی سنگین‌تر بود. خاطره‌ای از شهید کلهر بگویم که برای یکی، دو روز قبل از شهادت‌شان است. یکی از کسانی که در جمع نیروها با شهید کلهر خیلی مأنوس بود، شهید سیدحسین میررضی، مسئول اطلاعات عملیات بود. سیدحسین در همان نخستین روزهای عملیات کربلای ۵ شهید شد و این شهادت برای حاج یدالله خیلی سنگین بود. خیلی درهم و در خودش بود. من احساس کردم آقای فضلی با بقیه تماس می‌گیرد و می‌گوید که با حاج یدالله حرف بزنید و آرامش کنید. شهید شوشتری آمد و با حاج یدالله شروع به صحبت کرد و شهادت میررضی را تسلیت گفت. قبل از آن هم شهید میثمی با شهید کلهر صحبتی کرده بود. بعد از اینکه شهید شوشتری رفت من و آقای فضلی و صفرزاده به عنوان مسئول مخابرات و شهید کلهر ماندیم. حاج یدالله همین که سرش پایین بود، با حالتی محزون گفت آنها رفته‌اند و من نرفته‌ام. چند روز بعد از این صحبت‌ها به قافله شهدا پیوستند و شهادت‌شان برای همه خیلی سخت بود. اگر بخواهیم به واقعه عاشورا نگاه کنیم، حضرت قمربنی‌هاشم، فقط علمدار لشکرش نبود، بلکه پشتوانه خیمه‌هایش هم بود. شهید کلهر به مثابه همان علمداری بود که هم برای حاج علی فضلی پشتوانه بود و هم برای فرمانده گردان‌ها و تمام نیروها. شهادت شهید کلهر ضربه سنگینی به روحیه لشکر زد و جای خالی ایشان دیگر پر نشد.

چرا شهید کلهر با چنین سابقه و روحیه‌ای همچنان در بین مردم گمنام مانده است؟

در حق شهید کلهر اجحاف زیادی شده است و متولیان امر به شهدا قبیله‌ای نگاه می‌کنند. آن زمانی که شهید کلهر در کرج فعالیت می‌کرد، کرج در استان تهران قرار داشت، پس نباید بین ایشان با بقیه شهدا تفاوت قائل شد.

تا الان چقدر درباره شهید کلهر فعالیت صورت گرفته است؟ مثل شهید حاج کاظم رستگاری که فرمانده لشکری از تهران بود، ولی خیلی نامی از ایشان برده نمی‌شود، اگر کسی از کرج به شهرداری تهران می‌رسید یا استاندار می‌شد، اسم کلهر را بیشتر می‌شنیدیم و در شهر کرج هم از خود کرجی‌ها شهردار، فرماندار و استاندار نداریم و همه اینها سبب شده تا شهید کلهر همچنان غریب بماند.

> شهید کلهر انسان فرهیخته و اخلاق‌مداری بود و به هیچ عنوان کسی را پیدا نمی‌کنید که بگوید شهید کلهر به او از بالا به پایین نگاه کرده است، همه را برابر می‌دید. وقتی وارد اتاق و چادرش می‌شدید، احساس نمی‌کردید که ایشان قائم‌مقام لشکر است یا به لحاظ جایگاهی، موقعیت بالاتری دارد

> شهید کلهر رفتار برادرگونه‌ای با تمام نیروها داشتند. این از درایت شهید کلهر بود که به همه امید و روحیه می‌داد. نمی‌گذاشت کسی ناامید از کنارش برگردد. بچه‌های کرج حاج یدالله را خیلی دوست داشتند و ایشان را روی سرشان می‌گذاشتند

یادکرد

رفاقت شهید حسین میررضی و شهید یدالله کلهر از تأسیس سپاه در کرج تا شهادت در کربلای ۵

حسین پس از شهادت انتظار حاج یدالله را می‌کشید

■ آرمان شریف

شهید حسین میررضی از نخستین روزهای پیروزی انقلاب اسلامی در کرج فعالیت‌هایش را شروع کرد و به جرگه بنیانگذاران سپاه پاسداران کرج پیوست. شهید میررضی در کنار رزمندگانی چون حاج یدالله کلهر و شهید مهدی شرع پسند جزو بنیانگذاران سپاه پاسداران در کرج بود. رفاقت شهید میررضی و شهید کلهر از همان زمان شروع و با آغاز دفاع مقدس، محکم‌تر از قبل نیز شد.

شهید میررضی در آن دوران همزمان در دانشسرای تربیت معلم انتخاب شد، اما عشق حفاظت از وطن و مردمانش او را از ادامه تدریس منصرف کرد. با شروع جنگ تحمیلی این شهید دلاور رهسپار میادین جنگ شد و در طول دوران حضور ایشان در جبهه‌های جنگ مسئولیت مختلفی از جمله سرپرست فرماندهی لشکر ۱۰ سیدالشهدا(ع)، مسئول طرح و عملیات تیپ دو سلمان، جانشین تیپ حبیب ابن مظاهر، عضو شورای فرماندهی سپاه، فرماندهی سپاه کرج و فرماندهی سپاه شهریار را بر عهده گرفت.

شهید میررضی در کنار دوستی با شهید یدالله کلهر رفاقت نزدیکی با حاج علی فضلی داشت؛ حاج علی فضلی از سال ۱۳۵۹ با شهید میررضی آشنا شد و در عملیات‌های طریق‌القدس، فتح بستان، فتح‌المبین و تا شهادت با وی همراه بود. سردار فضلی از شهید میررضی اینطور یاد می‌کند: به معنای واقعی انسانی وارسته بود. ظرفیت و توفیقات فراوانی از زوایای مختلف به خصوص در مدیریت و فرماندهی داشت. ابداع روش‌های دفاعی جدید، حضور در میادین خط مقدم و شب‌های حمله از مهم‌ترین برنامه‌های شهید میررضی برای ثبت وقایع دفاع از میهن اسلامی بود که همیشه با آنها مداومت می‌کرد. انسانی شجاع، فهیم، بصیر و بسیار دلسوز برای دفاع از امام و انقلاب بود.

شهادت حسین در رؤیای صادقه‌ای به مادرش الهام می‌شود. مادر شهید میررضی خوابی را که قبل از شهادت فرزندش دیده بود، اینچنین تعریف می‌کند: «قبل از شهادت فرزندم، شهید بهشتی را در خواب دیدم. گویی خداوند از طریق او برایم الهام کرده بود که حسینم شهید می‌شود. هرچند وقت یکبار که او به جبهه‌ها می‌رفت، من دلشوره می‌گرفتم و خواب شهادت ایشان را می‌دیدم. یکبار در خواب به شهید بهشتی گفتم تو را قسم به جدت در قیامت مرا شفاعت کن و او در جواب به من گفت که حسین اینجاست. یک هفته بعد خبر شهادت پسرم را به ما دادند، اما من از همان ابتدا می‌دانستم که سیدحسین در راه حفاظت از دین اسلام و در راه آرمان‌هایش شهید می‌شود.»

در وصف شهادت حاج یدالله کلهر و شهید حسین میررضی همرزم او حاج احمد شجاعی این‌طور می‌گوید: «صبح روز اول بهمن ۶۵ بود. شب قبل را تا صبح با حاج یدالله تو کانال پرورش ماهی بودم. ۱۰ روزی از شهادت حاج حسین گذشته بود و هنوز کسی لبخندی رو صورت حاجی ندیده بود. بدجوری بی‌طاقت شده بود و مدام تو خودش بود. تازه هوا کمی روشن شده بود که یک رزمنده بسیجی به طرف حاج یدالله آمد و گفت برادر من دیشب خواب دیدم حاج حسین میررضی سر راهی ایستاده، جلو رفتم و به او سلام کردم و گفتم حاج حسین مگه تو شهید نشدی؟ اینجا چه می‌کنی؟ گفت چرا من شهید شدم، اما منتظر کسی هستم. پرسیدم منتظر چه کسی؟ گفت قرار است حاج یدالله بیاید، منتظر او هستم. حالت حاج یدالله دگرگون شد او که پس از حاج حسین لبخندی به لب نیاورده بود، خنده‌ای شیرین بر لبانش نشست و دست چپش را که سالم بود دور گردن بسیجی حلقه کرد و از پیشانی او بوسه‌ای گرفت. هنوز ظهر نشده بود که خبر شهادت علمدار لشکر ۱۰ سیدالشهدا (ع) را آوردند.»

پیکر مطهر این سردار بزرگوار پس از تشییعی باشکوه در گلزار شهدای امامزاده محمد(ع) کرج در قطعه سرداران در بستر خاک آرام گرفت و سبب افتخار همسر و سه فرزندش شد.

> ابداع روش‌های دفاعی جدید، حضور در میادین خط مقدم و شب‌های حمله از مهم‌ترین برنامه‌های شهید میررضی برای ثبت وقایع دفاع از میهن اسلامی بود که همیشه با آنها مداومت می‌کرد. انسانی شجاع، فهیم، بصیر و بسیار دلسوز برای دفاع از امام و انقلاب بود

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ٦٤٠٧

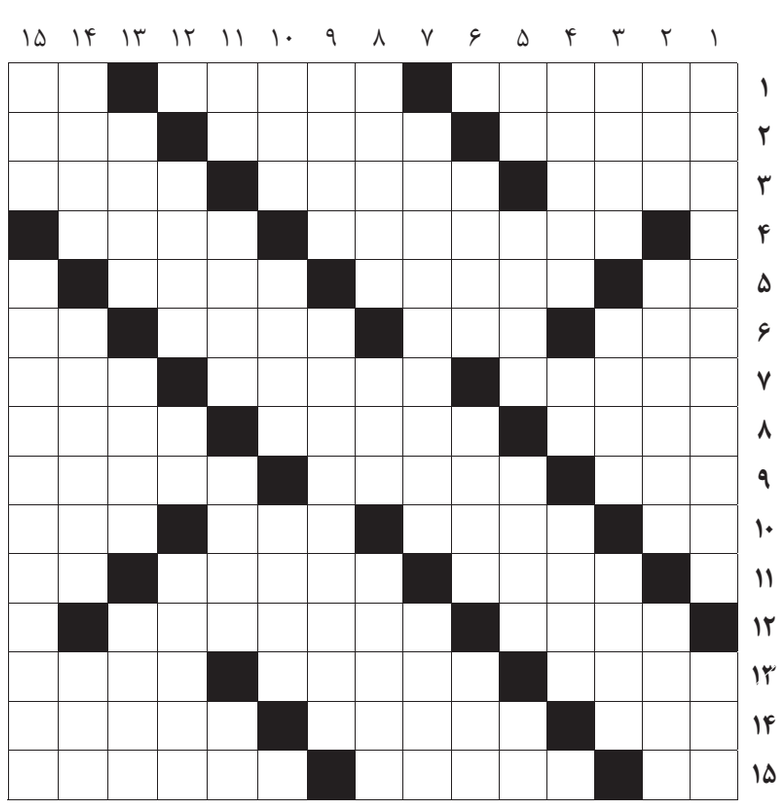

از راست به چپ

■ ۱- لقب حضرت عباس- ورزشی شبیه جودو- فلز سرخ ■ ۲- نویسنده اثر خسیس - خواندن قرآن- کنده‌کاری ■ ۳- مقابل خروج- شهر آرامگاه دانته- بیماری تجمع اسید اوریک در بدن ■ ۴- هزارتو؛ ماز- شگفت ■ ۵- رمق آخر- تسمه عقب پالان- خاک ■ ۶- کوه- سریع خودمانی- صدای ریزش باران- داخل ■ ۷- نام کرایف، اسطوره فوتبال هلند- مخفف افسانه- سید و آقا ■ ۸- مردان سیاست‌پیشه- پوشیده- باتجربه ■ ۹- حیرت- پایتخت کشور آفتاب تابان- صلاح‌الدین، بنیانگذار این سلسله بود ■ ۱۰- رشته کوهی در امریکا- مسافتی که تیر می‌پیماید- دیدنی از رژه ■ ۱۱- ناچیز؛ کم‌بها- سرخوش و شاد- خدای خورشید مصریان ■ ۱۲- از زبان‌های زنده دنیا- اینترنت ■ ۱۳- سردار ایرانی مختار- آبگیر- میانی ■ ۱۴- سلاح پرتابی- برابر- توجه بیمارگونه به نظافت ■ ۱۵- نیم کاسه!- رفیق دزد و شریک قافله- بخت‌آزمایی

از بالا به پایین

■ ۱- از بازی‌های کودکان قدیم- پرنده خرامان ■ ۲- ماست چکیده- نوعی هندوانه که از گیاهی به نام حنظل تولید می‌شود- کرگدن ■ ۳- ناراحت- زبان کوچک- بزرگراهی در تهران ■ ۴- ملاقات- خاندان- زنجبیل شامی ■ ۵- صدمتر مربع- نوعی طلاق- سگ شکاری- حرف انتخاب ■ ۶- نزدیک‌ترین شهر به قله دماوند- کفیل، گماشته- حرکتی در فوتبال برای تصاحب توپ ■ ۷- فیلمساز مشهور روسی که فیلم آینه را در کارنامه خود دارد- استوار رنه که وزیر خارجه کشورش شد ■ ۱۰- جایز- شایع‌ترین اختلال کروموزومی در انسان- زدنی دوچرخه‌سوار ■ ۱۱- همراه آشغال- بالای کشتی- ویرایش- وام نشده ■ ۱۲- درودگر- علامت فعل استمراری- شاهکار گوته شاعر آلمانی ■ ۱۳- مهتر قوم- آتش‌پرست- بدنام ■ ۱۴- عنوانی برای فرشتگان بزرگ الهی- مسلسل پایه‌دار- عطارد بی سروپا ■ ۱۵- سیاره کوتوله- اختراع داگر فرانسوی

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

		۱		۶		۵		
				۳	۲	۸		
۲		۵						
	۷			۱	۹		۶	
	۶				۸		۷	
	۲				۷		۹	
			۱			۷		۲
۳	۸							
			۷					۴

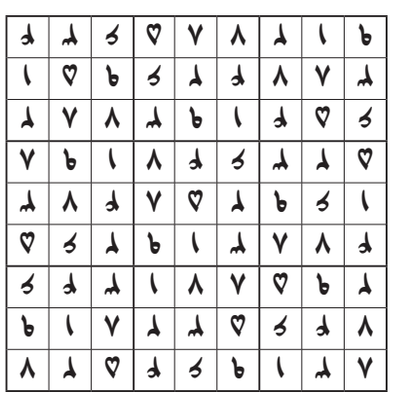

جدول کلمات متقاطع
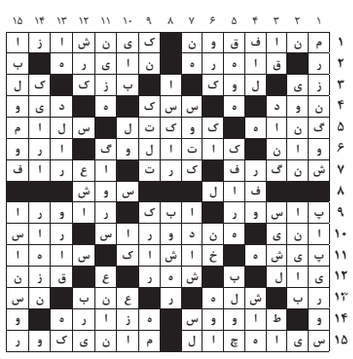
پاسخ جدول شماره ۶۴۰۶